

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۸ می ۲۰۱۱

## تجارت خون "آی.اس.آی"

با

## "سی.آی.ای" و "تیم های مرگ" کودک کش آن

۸

### هشتم: چرائی مخفی نمودن جسد:

در قسمت قبل به کمک عکسها نشان دادیم که می بایست در آنجا چه گذشته و "تیم مرگ" چگونه به بن لادن دست یافته باشد. مگر نکته ای که از همان آغاز اعلام این جنایت تا حال با وجود فشار های رسمی- ناظر حقوق بشر ملل متحد- و شخصی صد ها تن از افراد و اشخاص کمترین توجهی بدان صورت نگرفته، به علاوه چگونگی کشته شدن یک انسان بی دفاع، مریض و خلع سلاح، دیدن تصویری از جسد به اصطلاح بن لادن و سایر کشته شدگان می باشد. این کتمان روی هر دلیلی که صورت گرفته باشد تا زمانی که کاخ سفید واقعییت آن را گزارش ندهد، نمی توان احتمالات آتی را در قضیه منتفی دانست:

۱- اولین و نزدیکترین احتمال آن است که بن لادن- اگر پای بن لادنی در میان بوده باشد- کشته نشده است. بلکه به استناد حرف دختر بن لادن که گفته است پدرم زخمی بود که وی را با خود پائین بردند، تا هنوز زنده و در دست تیمی های از شکنجه گران امپریالیزم جنایت گستر امریکا و عده ای شرکای مطمئن وی اسیر می باشد.

در چنین حالتی اعلام مرگ وی از طرف کاخ سفید به اصطلاح "فرار به جلو" بوده با این اعلان وی را که از دید کاخ سفید مستحق شدیدترین شکنجه ها تشخیص داده شده به مثابه یک انسان مرده از تمام حقوق انسانی و احتمالاً دعوا های حقوق بشری محروم می سازد. هرگاه از این منظر به قضیه نگریسته شود بسیار احتمال دارد که همین اکنون که من این سطور را می نویسم و یا بعد تر که توی خواننده آن را می خوانی فردی بیمار، به شدت زخمی در زیر شدید ترین شکنجه ها قرار داشته باشد، تا مطابق سناریوی از قبل پیش بینی شده کاخ سفید داستانسرای نماید. از او بخواهند تا مطالب دروغی را سرهم نموده متحدین چندی را در عرصه ملی و بین المللی به سمت دار هدایت نماید.- وقتی آدم به این نوع ترفند ها می اندیشد و حماقت رئیس جمهور رژیم ولایت فقیه را می شنود که به گفته

خودش به اساس اسناد دست داشته ادعا می نماید که گویا بن لادن قبلاً در اختیار امریکائی ها قرار داشته و اکنون وی را به قتل رسانیده اند، تعجب می کند که یک انسان چقدر باید احمق باشد که چنین ادعا نماید. زیرا از کجا معلوم که همین اکنون، شکنجه گران بن لادن را زیر فشار قرار نداده باشند تا چیزی در مورد ایران و همکاری هایش با تروریسم بین المللی را اعتراف نماید و فردا همان اعتراف را بر روی جمهوری اسلامی نکشند که بلی! احمدی نژاد درست گفته بود. ما از بن لادن تحقیقاتی داریم که در مورد ایران چنین گفته است.

حال چنین اعترافاتی به منظور بهره برداری های سیاسی علنی خواهد شد و یا این که فقط در امور امنیتی و استخباراتی از آن استفاده به عمل خواهد آمد نمی توان از حالا پیش بینی نمود.

۲- احتمال دوم آن است که جنایتکاران "تیم مرگ" مقتول را چنان غیر انسانی کشته باشند که کاخ سفید نتوانست آنرا به مردم و رسانه ها نشان دهد. به خاطر آن که این موضوع اندکی بهتر قابل درک گردد لطف نموده به این عکس نظرا ندازید:



لطفاً باز هم به عکس فوق بادقت نظراندازید و به این نکات بیشتر از همه توجه نمائید:

۱- خانم کلینتون چه چیزی را می بیند که با وجود تربیت در همچو نهادی، ناگزیر است دستش را به خاطر جلو گیری از فریاد وحشت جلو دهانش برده و با چشمان از حدقه برآمده آن صحنه را نظاره کند.

۲- او با ما که لوده های سیاسی از تخت نشینی وی شادبها کردند، چه چیزی را می بیند که آن طور کوچک شده در حالیکه سر را میان دوشانه فرو برده صحنه را تماشا می کند- سر را میان دوشانه فرو بردن از دید روانی علامت عجز و درماندگی فرد را در چنان حالتی می رساند.

۳- معاون او با ما و وزیر دفاعش تقریباً هم زمان نوعی از نگاه خیره توأم با "دندان خائی" را به نمایش می گذارند.

۴- در حالی که فرد نشسته در پهلوئی خانم کلینتون دست کمی از هیلاری ندارد و چشمان وی نیز از حدقه برآمده است، فرد نظامی با لباس فرماندهان هوایی با تبختر فرعونی ضمن بازی با لب تاب، از دیدن منظره طفره می رود. به همین سان سایر شرکت کنندگان.

در اینجا بدون آن که وقت خوانندگان را به تحلیل عکسها از دید روانشناسی بگیرم، توجه خوانندگان را به بخشی از اقدامات عملی سربازان امریکائی در طول تاریخ جلب می نمایم تا وقتی بعد تر ترکیب "قساوت امریکائی" را به کار می برم معنای آن برای خواننده قابل فهم باشد.

خوانندگان گرامی ما اگر در فلم های "کابوی" ساخت "هالیوود" دقت کرده باشند، در آن زمان یکی از تجارت های کثیف اجداد مقامات کاخ سفید- بیچاره پدر و اجداد او باما که باید به خاطر فرزند جنایتکارشان بار این ملامتی را نیز در قدم اول قبول نمایند- فروش "پوست سر" سرخ پوستان یعنی باشندگان اصلی قاره امریکا بود. سربازان و حتا ماجراجویان به خاطر آن که از طرف دولت پولی به دست آوردند و در ظاهر رشادت خویش را به اثبات رسانیده بتوانند، از آنجائی که برای اثبات مدعا نمی توانستند چون دوران های قدیم سر طرف را قطع نموده و به دشمن نشان دهند، پوست سر سرخ پوستان مظلوم را بعد از کشتن از قسمت پیشانی الی قسمت فرق سر جدا کرده، به مقامات نشان می دادند، این رسم را به "سکالپ" یاد می کردند و در همان زمان بودند کسانی که از این نوع تجارت به نان و نوائی رسیدند.

این که ارتش امریکا در جریان جنگ عمومی اول و جنگ عمومی دوم چه جنایاتی را مرتکب شدند شاید تذکر دو واقعه برای نشان دادن میزان قساوت امریکائی کاملاً کفایت نماید.

این دو واقعه، یکی بمباردمان شهر درسدن المان به خصوص کلیسای معروف آنجا که فقط زنان و اطفال در آن محل پناه برده بودند آنهم بعد از ختم جنگ و اعلان تسلیم بدون قید و شرط ارتش المان است که به قتل عام جم غفیری از مردم درسدن انجامید و دیگری دو بمب اتمی در هیروشیما و کازاناکا است که فاجعه آن بر کسی پوشیده نیست.

به همین سان کوهواره جنایات امریکا، در ویتنام، کامبوج، لاوس، عراق و سایر نقاط جهان است که بدون تردید هریک از آنها در نوع خود می تواند بی نظیر و بی رقیب به شمار آید.

از همه نزدیکتر جنایاتیست که هم اکنون در حق مردم به پا خاسته افغانستان اعم از زن، مرد، کودک، پیر و یا جوان انجام می دهند. مگر همین چند ماه قبل نبود که تعدادی از اعضای یکی از "تیم های مرگ" شاغل در افغانستان به جرم بریدن، گوش، بینی و انگشت دست و پا و کشیدن چشم و ساختن کلکسیون از آنها آنهم بعد از آن که جرم شان از پرده بیرون افتاد به صورت نمایشی مورد باز خواست قرار گرفتند، مگر همین دیروز نبود که سربازان امریکائی در زندان ابوغریب سگهای هار را به جان زندانیان بی پناه و دست و پا بسته انداخته از آن لذت می بردند؟

خلاف تصور آن عده از مزدوران غرب که می خواهند چنین وقایعی را به صورت استثناء جازده، سایر افراد ارتش امریکا را فرشتگان معرفی بدارند، این نوع جنایت کار بخشی از سیستم جنایتکارانه ای است که از آغاز بنیان گذاری ایالات متحده امریکا به مثابه دستور نا نوشته اما مجاز، برای سرکوبی دشمنان امریکا به سربازان آن کشور تجویز شده است.

به همین اساس هم است که هیچ گاهی و در تحت هیچ شرایطی تا حال امریکا قبول ننموده که سربازان، افسران و یا مقامات امریکائی به جرایمی از قبیل جنایت علیه بشریت به پای میز محاکمه کشانیده شوند. آنها نه تنها در کشتن افراد همه بدون استثناء دست باز و آزاد دارند، بلکه در چگونه کشتن نیز به هیچ مقامی پاسخگو نیستند. ارتش امریکا همان دیو جادویی است که وقتی از بوتل بیرون شد به جز مرگ هیچ چیزی آنها را از جنایت باز نمی دارد.

وقتی چنین گذشته ننگینی را در ارتش امریکا در نظر بگیریم که گفته می‌تواند که بر روی بن لادن زخمی چه آمده است؟

آیا به مانند شرکای دیروز، رقبای امروز و باز هم شرکای فردای شان یعنی القاعده به مانند گوسفند سر وی را گوش تا گوش بریده و با جدا کردن آن سر، فرستادنش به امریکا و گذاشتن آن در موزیم جنایات ارتش، خواسته اند غرور شکست خورده را ترمیم نموده انتقام از آن دشمن خود ساخته بگیرند، که خانم کلینتون از وحشت فریاد می‌کشد؟ آیا هریک از سربازان به خاطر تحمیل شکنجه بیشتر بر آن فرد بیمار و زخمی، قسمتی از بدنش را بریده و به طور یادگاری برای خود و اوبا ما نگهداشته اند که اوبامای حقوق دان بادیدن صحنه واقعی مرگ آنچنان موش مرده شده است؟

آیا به مانند گرگان درنده در قطع کردن اعضا و جوارح مضروب چنان مسابقه ای در گرفته که مقام نظامی حاضر در صحنه از دیدن آن خجالت کشیده چشم‌ها را پائین می‌اندازد؟ اگر آن طوری که تاریخ امریکا نشان می‌دهد "قساوت امریکائی" کار خود را نموده باشد و در قرن بیست و یک جانشینان راستین "آتیلا"ها کار خود را مطابق سنت ارتش امریکا پیش برده باشند باید نوشت: جسد را "مثله" نموده اند که امروز توان نشان دادن آن را ندارند، باید پرسید که کدام قسمت بن لادن، اکنون در نزد چه کسی است؟

از همه مهمتر آقای اوبامای عاشق حقوق بشر باید پاسخ بگوید که سهم خودش از آن کشتار فجیع بن لادن چه رسیده است.

در همین جا جا دارد بیفزایم:

هرگاه پای زنده نگهداشتن و استمرار شکنجه فرد مجروح در میان نباشد، بر مبنای شناختی که از امپریالیزم امریکا و ارتش آن کشور در طول تاریخ دارم، با قاطعیت حکم می‌نمایم که آنها حد اقل به دنبال جدا کردن سر بن لادن جسدش را نیز مثله نموده اند. و به همین دلیل هم است که آنها حتا از دفن جسد وی خودداری نمودند، چه بسا سگهای هار ارتش امریکا برای دفن از جسد چیزی باقی نگذاشته باشند.

ادامه دارد